

زهرا طاهری‌امین<sup>۱</sup>

با پیشنهاد جیانگ‌زمین رئیس‌جمهور چین سازمان همکاری شانگهای متشکل از شش کشور مهم اورآسیا (چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان) در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۱ تأسیس شد. بنیان این سازمان به اتفاق آرا معتقدند که ایجاد و توسعه سازمان همکاری شانگهای به منظور تأمین نیازهای مردم منطقه و تمایل همیشگی آنها به حفظ صلح و بهبود شرایط، بخصوص پس از جنگ سرد می‌باشد. هدف این سازمان عبارت است از: تقویت اعتماد متقابل، ایجاد روابط دوستانه و روابط خوب همسایگی بین کشورهای عضو، تشویق به همکاری مؤثر بین آنها در زمینه‌های سیاسی، تجاری، اقتصادی، علمی و تکنولوژیک، فرهنگی، انجام کوشش‌های مشترک برای حفظ صلح، امنیت و ثبات در منطقه و ایجاد یک نظم جدید سیاسی و اقتصادی بین‌المللی. این سازمان در حالی که توانایی و امکان توسعه را دارد با چالش‌هایی نیز روبرو می‌باشد که در این مقاله بدان پرداخته خواهد شد.

در ۲۶ آوریل ۱۹۹۶ نظر‌بایف رئیس‌جمهور قزاقستان، آقایف رئیس‌جمهور قرقیزستان، رحمان‌اف رئیس‌جمهور تاجیکستان، جیانگ‌زمین رئیس‌جمهور چین و یلتسین رئیس‌جمهور روسیه در اجلاسی در بندر شانگهای قرارداد «تقویت اعتماد متقابل نظامی» در مرزهای پنج کشور را امضا نمودند. به موجب این قرارداد کشورهای یادشده موافقت کردند که از حمله و یا درگیری در مناطق مرزی خودداری ورزند، از مانورهای نظامی که تهدیدی علیه یکدیگر باشند احتراز کنند، حجم و گستردگی و تعداد دروس آموزش‌های نظامی را کاهش دهند، یکدیگر را از عملیات نظامی که قصد دارند تا عمق یکصد کیلومتری مرزهای مشترک به انجام برسانند قبلاً آگاه سازند، از مقامات نظامی همسایگان برای نظارت بر مانورهای نظام خود دعوت به عمل آورند،

۱. خانم زهرا طاهری‌امین کارشناس مرکز مطالعات استراتژیک دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی است.

پیش از انجام هرگونه عملیات نظامی مخاطره‌آمیز همسایگان را مطلع سازند و بالاخره مناسبات دوستانه و همکاری بین نیروهای نظامی مستقر در دو سوی مرزها را تقویت نمایند.<sup>(۱)</sup>

جیانگ‌زمین رئیس جمهوری چین پیش از امضای این قرارداد به‌طور جداگانه با رؤسای جمهور قزاقستان، قرقیزستان و ترکمنستان ملاقات و گفتگو کرد.

وی در سخنان خود که در اجلاس ایراد کرد اشاره نمود، این سند اولین توافق برای تقویت اعتماد امنیتی و دوستی بین چین و پنج کشور همسایه در آسیای مرکزی بوده و در حفظ صلح و امنیت در منطقه آسیایی اقیانوس آرام تأثیر اساسی خواهد داشت.<sup>(۲)</sup> از آنجا که چین همسایه آسیای مرکزی بوده و در آنجا منافع امنیتی مستقیم دارد، همکاری‌های وسیع امنیتی چین با این کشورها نه تنها شرایط مناسبی برای تقویت روابط حسن همجواری را فراهم ساخته بلکه تضمینی برای حفظ صلح و ثبات در منطقه را ایجاد نموده است. همکاری‌های امنیتی کشورهای آسیای مرکزی علاوه بر شکل‌های سنتی مانند مناسبات دوستانه بین ارتش‌ها، خودداری از درگیری نظامی با یکدیگر، مبادله اطلاعات، تقویت اعتماد متقابل و غیره شامل مفاهیم جدیدی نیز هست. زیرا اوضاع جهانی در دو دهه اخیر دستخوش دگرگونی‌های عظیم شده و همکاری‌های امنیتی نیز باید جوابگوی نیازهای تازه باشد.

اگرچه چین هنوز با چالش‌های بسیاری روبه‌رو است، اما اکنون از نظر اقتصادی، علمی، فنی و نظامی کشوری قدرتمند به‌شمار می‌آید و در صحنه سیاست بین‌المللی جایگاهی بسیار مؤثر دارد. به‌علاوه، چین به‌عنوان یک قدرت استراتژیک مستقل می‌تواند در حفظ موازنه نیروهای استراتژیک بین‌المللی و در حفظ صلح و ثبات جهانی مؤثر باشد و در تعدیل مناسبات و حل و فصل تضادها و درگیری‌های آنها نقشی غیرقابل انکار ایفا نماید. بدین لحاظ و بنابه دلایلی که بعداً به آن پرداخته خواهد شد شانگهای پنج با مشارکت دو قدرت بزرگ آسیا تشکیل می‌شود. شانگهای پنج بر اساس هسته اولیه‌ای شکل گرفت که مبتنی بر توافق سال ۱۹۹۰ میان شوروی و جمهوری خلق چین برای کاهش دوجانبه نیروهای مسلح و اتخاذ اقدامات اعتمادسازی در نواحی مرزی دو کشور بود.

پایان جنگ سرد و فروپاشی نظام دوقطبی و دورنمای مبهم ساختار نظام جدید بین‌المللی، اتخاذ تصمیم و مکانیزم‌هایی جهت تدوین قواعدی جدید و شکل دادن به نظام بین‌الملل به منظور کسب حداکثر منافع به‌ویژه برای دو قدرت روسیه و چین را ضروری ساخت. از سوی دیگر گسترش ناتو به سوی شرق و نقش روزافزونی که در حفظ صلح در اروپا ایفا می‌کرد و امتداد آن تا غرب مسکو و از طرف دیگر دیدگاه ایالات متحده مبنی بر تهدید بالقوه از ناحیه چین باعث شد که پکن و مسکو با تأسیس سازمان شانگهای پنج به منظور آمادگی برای مقابله با چنین وضعیتی و با ایفای نقش وسیع‌تر در دیپلماسی جهانی از خود واکنش نشان دهند.

از دیگر دلایل ایجاد سازمان شانگهای پنج، جنگ در افغانستان و ناآرامی‌های داخلی تاجیکستان بود که مسأله در دناکی برای کشورهای آسیای مرکزی به حساب می‌آمد و چون خود چاره‌ای برای کنترل آن نداشتند به ناچار به چین و روسیه متوسل شدند. لازم به ذکر است که مخالفت با ایالات متحده به عنوان تنها ابرقدرت عامل همکاری استراتژیک مسکو - پکن نمی‌باشد. بلکه هر دو کشور روسیه و چین نگران جنبش‌های رادیکال اسلامی در سرزمین خود و اطراف مرزهایشان می‌باشند. از دهه ۱۹۷۰ ترکان مسلمان آیفور در استان سین‌کیانگ در غرب چین دست به مبارزاتی برای کسب استقلال زده‌اند. ثبات در سین‌کیانگ برای چین اهمیت زیادی دارد. این استان شامل سه حوزه مهم نفتی تورقان، جانگر و تاریم می‌باشد که تخمین زده می‌شود مقدار زیادی نفت داشته باشد. همچنین تعداد زیادی پایگاه و مرکز آزمایش سلاح‌های هسته‌ای مربوط به ارتش آزادیبخش خلق در این استان وجود دارد که در صورتی که منطقه به کنترل اویفورها درآید مورد تهدید قرار خواهد گرفت.

روسیه نیز مورد مشابهی دارد و با چندین سال درگیری در چین روبرو می‌باشد. حضور مسلمانان رادیکال در دیگر جمهوری‌های خودمختار در قفقاز شمالی نظیر داغستان روبه افزایش است. رهبران روسیه نگران عکس‌العمل‌های زنجیره‌ای در میان مسلمانان این کشور می‌باشند. به‌علاوه، در بلندمدت خطر شورش‌های مسلمانان در آسیای مرکزی بیشتر خواهد

شد. رژیم‌های حاکم از فقدان دموکراسی و مشروعیت رنج می‌برند. در این کشورها فساد اقتصادی شیوع پیدا کرده است. تولید ناخالص ملی کم و سطح زندگی بسیار پایین است و رادیکال‌های اسلامی به دنبال استخدام و آموزش نسل بعدی مردان جنگی هستند. سیلی از مواد مخدر نیروهای اعزامی روسیه در مرز تاجیکستان-افغانستان را دربر گرفته است. رژیم‌های سکولار حاکم در آسیای مرکزی به‌طور سنتی وابسته به مسکو هستند و روسیه معتقد است باید با اسلام‌گرایان در بیابان‌های آسیای مرکزی و یا در شمال قزاقستان که تعداد زیادی نژاد روس زندگی می‌کنند مقابله نمایند.

روسیه دریافته است که انتخاب محدود دارد و برای رویارویی با بی‌ثباتی در آسیای مرکزی یا فقط باید به خود متکی باشد و یا چین را به‌عنوان یک شریک بپذیرد. پکن نیز به آسیای مرکزی با حکومت‌های ضعیف و منابع طبیعی غنی بخصوص نفت و گاز به عنوان دایره نفوذ طبیعی آینده خود می‌نگرد. تأسیس سازمان همکاری منطقه‌ای نشان‌دهنده این است که مسکو و پکن به دنبال تصمیم‌گیرندگان اصلی در آسیای مرکزی بدون ترکیه، ایران و ایالات متحده باشند.

این سازمان پس از تأسیس با توجه به مسایل و اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی نظیر صلح و ثبات منطقه‌ای وضعیت افغانستان، مسایل مرزی اعضا، افراط‌گرایی مذهبی و قومی، تروریسم، حمل و نقل مواد مخدر، قاچاق اسلحه و تأکید بر نظام جهانی چندقطبی در جهت خنثی کردن اهداف هژمونیک ایالات متحده تکامل و رشد داشته است. چنانکه یکی از نکات مهم و مورد تأکید تمامی بیانیه‌های مشترک سازمان، امکان پیوستن سایر کشورها به آن است و از آنجاکه دو قدرت بزرگ بین‌المللی در آن عضو هستند توان آن را دارد که به سازمانی با کاربرد فرمانطقه‌ای بدل شود. در این رابطه می‌توان به سخنان ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه پس از اجلاس پنجم سران در دوشنبه اشاره کرد که گفت: «گروه شانگهای پنج یک باشگاه بسته نیست و برای عضویت سایر کشورها باز است». او همچنین پیشنهاد تغییر نام گروه به «مجمع شانگهای» را مطرح کرد. در

این خصوص کشورهای نظیر ازبکستان، ایران، هند و پاکستان برای پیوستن به سازمان اظهار علاقه و اشتیاق کردند.<sup>(۳)</sup> لذا آنچه قابل توجه است توان و دینامیزم گسترش این سازمان و اهدافی است که در این راستا دنبال می‌کنند.

## اهداف و سازوکارهای اجرایی شانگهای - ۵

از هنگام تأسیس این سازمان تاکنون هفت اجلاس سران به‌طور چرخشی برگزار شده است. در تمامی این اجلاس‌ها بیانیه‌های مشترکی صادر شده که در تمامی آنها محورهای اساسی اهداف سازمان تکرار شده و همچنین سازوکارهای جدیدی نیز جهت پیشبرد محورهای توافق شده اعلام گردیده است. به‌طور مثال، دستور کار اجلاس ششم ضمن تأکید بر محورهای قبلی، عبارت بود از حمایت اعضا از قرارداد ضد موشک بالستیک (ABM) و مخالفت با طرح دفاع موشکی ملی (NMD) و سپر ضد موشکی ایالات متحده. به دنبال آن نیز مواجهه با شبه نظامیان اسلامی و تنظیم قرارداد جدید ضد تروریستی، ایجاد یک مرکز ضد تروریستی در بیشکک پایتخت قرقیزستان و همچنین تغییر نام گروه شانگهای ۵ به «سازمان همکاری شانگهای ۱» - پیرو تصمیم اعضا مبنی بر پذیرش ازبکستان<sup>(۴)</sup> در دستور کار قرار گرفت. اهداف سازمان و سازوکارهای اجرایی آن را به‌طور خلاصه می‌توان در محورهای ذیل بیان کرد:

۱. تقویت همکاری با محورهای امور سیاسی - اقتصادی، تجاری و نظامی به منظور تبدیل آسیای مرکزی به یک منطقه صلح و ثبات و حسن همجواری، تقویت اعتماد متقابل نظامی و تسریع آن، تبادل تجارب در زمینه فعالیت‌هایی به منظور حفظ صلح و برگزاری سمینارهای مناسب، تبادل نظر در زمینه همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه.<sup>(۵)</sup>

۲. ضدیت با فعالیت‌های غیرقانونی: مبارزه مشترک بر ضد جدایی‌طلبی ملی تروریسم بین‌المللی و مهاجرت غیرقانونی.<sup>(۶)</sup>

1. Shanghai Cooperation Organization (SCO)

۳. احترام به اصل حاکمیت: دفاع از اصل مالکیت براساس منشور ملل متحد، تأکید بر حق انتخاب نظام سیاسی، مدل اقتصادی و مسیر توسعه اقتصادی توسط هر کشور، حمایت از سیاست چین واحد و حمایت از دیدگاه روسیه در مورد چین.

۴. احترام به قرارداد موشک ضدبالستیک: قرارداد موشک ضدبالستیک ۱۹۷۹ باید بی چون و چرا تأیید، حفظ و مورد احترام قرار گیرد. این قرارداد که استقرار سیستم دفاع موشکی ملی را منع می‌کند به عنوان اساس ثبات استراتژیک جهانی و مبنای کاهش بیشتر سلاح‌های تهاجمی به حساب می‌آید. اجرای این هدف نیز حمایت از پیشنهاد ازبکستان مبنی بر ایجاد «منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای آسیای مرکزی» می‌باشد.<sup>(۷)</sup>

۵. امنیت منطقه‌ای: تلاش در جهت ایجاد امنیت منطقه‌ای از طریق حل و فصل مسالمت‌آمیز تمامی منازعات در چارچوب قطعنامه‌های سازمان ملل. نگرانی در مورد وضعیت افغانستان به عنوان تهدیدی جدی علیه صلح و ثبات منطقه‌ای و جهانی، گشودن باب گفتگوی سیاسی جهت ترویج اعتماد دوجانبه و همکاری بیشتر چندجانبه. به دنبال درخواست عضویت ازبکستان در سازمان شانگهای ۵ و پذیرش آن توسط اعضا و افزایش تعداد کشورهای عضو، سازمان همکاری شانگهای رسماً در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۱ اعلام موجودیت کرد.<sup>(۸)</sup> دامنه همکاری این سازمان شامل جنبه‌های امنیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌باشد. اعضای فعلی سازمان شامل کشورهای مهم اورآسیایی بوده و امکان توسعه آن وجود دارد. سازمان همکاری شانگهای توانایی بسیاری برای توسعه داشته و توان آن را دارد که تبدیل به مهمترین راهکار بین‌المللی نافذ در روندهای توسعه در منطقه شود. سازمان همکاری شانگهای اولین سازمان همکاری منطقه‌ای است که چین در آن پیش قدم بوده است. در عین حال، این سازمان منعکس‌کننده اصول جدید بوده و روح تازه‌ای در توسعه همکاری بین‌المللی و روابط دولت با دولت دمیده و چین فعالانه از آن حمایت می‌کند.

## منافع چین در سازمان همکاری شانگهای

تمام مراکز علمی چین معتقدند که این سازمان از ویژگی خاصی برخوردار است، اگرچه اختلاف نظر وجود دارد. این تفاوت‌ها عمدتاً ناشی از مسایل مورد توجه آنها و اولویت‌های آنها می‌باشد. از طرفی وجود این اختلافات یک پدیده طبیعی در روند توسعه است و از طرف دیگر نشان می‌دهد که نظر مراکز علمی در نحوه تعیین موقعیت، دورنما و مسیر توسعه سازمان، متفاوت می‌باشد. بعضی از افراد مسایل خاص مربوط به استراتژی کلان را به سازمان واگذار می‌کنند که دورنمای روابط چین - آمریکا یکی از آنها است. عده‌ای دیگر آن را به عنوان سازوکار حل بعضی از مسایل خاص می‌دانند. لذا این نظریات و دیدگاه‌های متفاوت باعث تفاوت در نحوه نگرش آنها گردیده است و تعیین منافع چین در سازمان همکاری شانگهای از یک طرف بستگی به امکاناتی دارد که سازمان می‌تواند در اختیار بگذارد و از طرف دیگر بستگی به اهداف و وظایف استراتژی خارجی کلان چین دارد. در این راستا، منافع اصلی چین در سازمان یا موقعیت چین در آن در مرحله فعلی به شرح زیر است:

۱. منافع استراتژیک در آینده قابل پیش‌بینی مهمترین و اصلی‌ترین مسأله است. منافع استراتژیک چین در سازمان در سه سطح قرار دارد: الف) تضمین تمامیت ارضی و وحدت ملی؛ ب) مبارزه با احساسات قومی‌گرایی و ایجاد ثبات در مناطق شمال شرقی؛ ج) تحکیم امنیت در مناطق مرزی و ایجاد محیط خوب در اطراف. مراقبت از تمامیت ارضی چین و وحدت ملی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. محافظت از تمامیت ارضی و وحدت ملی یعنی مبارزه با تروریسم، جدایی‌طلبی و افراطی‌گری (سه عامل مخرب) و درهم کوبیدن آنها می‌باشد. در مورد چین این سه عامل بیشتر در فعالیت‌های جدایی‌طلبانه در سین‌کیانگ به چشم می‌خورد. سازمان همکاری شانگهای می‌تواند به حرکت فعال‌تر جهت مبارزه با نیروهای جدایی‌طلب در سین‌کیانگ کمک نماید. دیگر کشورهای آسیای مرکزی نیز به دنبال از میان برداشتن سه عامل مخرب از طریق همکاری با یکدیگر در قالب سازمان همکاری شانگهای دقیقاً مانند آنچه که در

مورد نیروهای جدایی طلب سین کیانگ انجام می شود، می باشند. اولین دلیل چین برای تشکیل این سازمان تأمین امنیت هست که فقط در ارتباط با تمامیت ارضی و وحدت ملی کشور نیست بلکه بر زندگی مردم و توسعه اجتماعی و اقتصادی در مناطق شمال غربی نیز تأثیر جدی می گذارد. این مسأله برای چین اهمیت ویژه ای دارد، زیرا نیروهای جدایی طلب سین کیانگ از دید این کشور تهدیدی برای تمامیت ارضی و مخل امنیت اجتماعی می باشند. لذا چین خواهان این است که برای مقابله با این نیروها، با تعدادی از کشورهای منطقه همکاری کند.

از دید دیگر اعضای سازمان همکاری شانگهای نیازهای امنیتی در این راستا علت اصلی ایجاد این سازمان می باشد. بدون این مسأله، سازمان همکاری شانگهای عامل اصلی جهت اتحاد را از دست خواهد داد.

۲. هدف چین از ایجاد چنین سازمانی تأمین منافع اقتصادی است که از اهمیت استراتژیک برخوردار می باشد و در درجه اول تأمین انرژی مورد نیاز نظیر نفت و گاز هست. واردات انرژی برای توسعه بلندمدت اقتصادی چین از اولویت و اهمیت ویژه ای برخوردار است. برای توسعه اقتصاد چین افزایش واردات انرژی غیر قابل اجتناب می باشد. داشتن منابع انرژی قابل اعتماد یک مسأله استراتژیک بوده و در آینده امنیت اقتصادی چین نقش مهمی ایفا می کند. آسیای مرکزی یکی از مهمترین منابع انرژی در جهان می باشد و این شرایط مناسب و نادری را برای چین فراهم آورده است. اگر آسیای مرکزی بتواند تأمین کننده قابل اعتماد انرژی از طریق همکاری در قالب سازمان همکاری شانگهای بشود دستاورد بزرگی خواهد بود.

۳. سازمان همکاری شانگهای کانال اصلی همکاری چین با کشورهای آسیای مرکزی بوده و چین می تواند از این طریق نفوذ خود در منطقه را افزایش دهد.

به علت اهمیت منطقه آسیای مرکزی از نظر امنیت ملی و انرژی، چین در صدد راهیابی به منطقه و تحکیم روزافزون موقعیت خود می باشد. آسیای مرکزی از نظر جغرافیایی به چین نزدیک بوده و از نظر تاریخی نیز با یکدیگر تماس نزدیکی داشته اند. اما آسیای مرکزی در طول

یکصدسال گذشته بخشی از امپراتوری روسیه و اتحاد شوروی بوده و فقط در ده سال گذشته توانسته‌اند به استقلال دست یابند، لذا تماس‌های مستقیم بین چین و کشورهای منطقه جدیداً برقرار شده است، و سازمان همکاری شانگهای قالب واحدی برای همکاری بین چین و کشورهای آسیای مرکزی ایجاد کرده است. در این چارچوب چین می‌تواند روابط بلندمدت و همکاری همه‌جانبه خود با کشورهای آسیای مرکزی را در زمینه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و انسانی افزایش دهد. از طریق این نوع همکاری روابط نزدیک در منطقه آسیای مرکزی می‌تواند مجدداً از سر گرفته شده و توسعه یابد.

### سازمان همکاری شانگهای سازوکاری برای همکاری چین و روسیه

چین و روسیه هر دو در منطقه آسیای مرکزی دارای منافع می‌باشند. آسیای مرکزی برای روسیه به منزله حیات خلوت آن کشور می‌باشد. روسیه در منطقه دارای منافع خاص و نفوذ می‌باشد که از اولویت زیادی در استراتژی خارجی روسیه برخوردار است. بعد از بر سر کار آمدن پوتین، تصمیم روسیه مبنی بر به دست آوردن مجدد جای پا در منطقه آسیای مرکزی شدیداً افزایش یافت. از دید چین، کشورهای آسیای مرکزی همسایه محسوب می‌شوند. چین دارای ۳۰۰۰ کیلومتر مرز مشترک با این کشورها است. چین روابطش با این کشورها را توسعه داده و در منطقه نفوذ پیدا کرده است. لذا تماس و برخورد چین و روسیه در آسیای مرکزی غیرقابل اجتناب است. بسیاری از تحلیلگران غربی نیز فکر می‌کنند که آسیای مرکزی عامل برخورد منافع بین چین و روسیه و لذا عامل اختلاف بین آنها می‌باشد. از نظر ژئوپلتیک نیز عوامل رقابتی بالقوه در منطقه برای آنها وجود دارد. به همین علت دو کشور نیاز به همکاری با یکدیگر و اجتناب از درگیری در منطقه دارند. لذا سازمان همکاری شانگهای سازوکاری برای ایجاد توازن در منافع آنها در منطقه می‌باشد و از طریق همکاری در قالب این سازمان می‌توانند به نتایج مثبتی دست یابند.

## منافع مشترک و تفاوت‌ها در میان کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای

سازمان همکاری شانگهای به علت اهمیت و جامعیت آن و وجود منافع مشترک بین اعضا شکل گرفت. تأسیس آن بر شرایط جغرافیای اقتصادی و جغرافیای سیاسی تمام اعضای آن، بخصوص همکاری در زمینه اقتصادی و امنیتی تأثیر زیادی داشت. کشورها به‌رغم داشتن منافع مشترک ولی با توجه به شرایط مختلف نظریات یکسانی نسبت به سازمان ندارند. لذا این اختلاف نظریات در نگرش آنها نسبت به چگونگی روند توسعه سازمان تأثیر مهمی داشت.

روسیه: ورود روسیه به سازمان همکاری شانگهای نتیجه طبیعی مذاکرات چین - روسیه در مورد مسایل مرزی و ایجاد اعتماد در زمینه امور نظامی در مناطق مرزی و بسط همکاری استراتژیک چین - روسیه بود. اولویت اول روسیه برای پیوستن به سازمان همکاری شانگهای نیل به منافع ملی بود. منطقه جنوبی برای امنیت ملی این کشور در درجه اول اهمیت قرار دارد که پیچیده‌ترین، خطرناک‌ترین، واقعی‌ترین و فوری‌ترین خطر برای امنیت ملی روسیه می‌باشد. افراتیون مذهبی در آسیای مرکزی و منطقه قفقاز مخالفین روسیه هستند. یکی از عوامل مهم در جنگ طولانی چین حمایت افراتیون مذهبی خارج روسیه از نظر مالی و نیروی انسانی می‌باشد. به‌علاوه مقدار زیادی از مواد مخدر که در افغانستان تولید می‌شود وارد روسیه که به عنوان کانال انتقال مواد مخدر به اروپا تلقی شده، می‌شود. همچنین این کشور مسیر انتقال سلاح و کالاهای قاچاق نیز هست. اگر این مسایل حل نشده و با کنترل نشود برای امنیت ملی و امنیت اجتماعی روسیه مشکل ایجاد خواهد کرد. از آنجایی که این مشکلات از مدت‌ها قبل به‌وجود آمده مشکل خواهد بود که در کوتاه‌مدت حل شود. علاوه بر این، روسیه به‌تنهایی قادر نخواهد بود آن را حل کند. بنابراین سازمان‌هایی مانند سازمان همکاری شانگهای و کشورهای مشترک‌المنافع برای روسیه مفید هستند. سازمان همکاری شانگهای سازوکار همکاری منطقه‌ای است که مرزها را پوشش می‌دهد و نقش قابل توجهی در مبارزه با افراتیون آسیای

مرکزی، تروریسم و مقابله علیه انتقال مواد مخدر و قاچاق دارد. همان‌طور که گفته شد روسیه آسیای مرکزی را حیات خلوت و حوزه نفوذ خود می‌داند. نفوذ تدریجی آمریکا و ناتو در منطقه خطری برای روسیه در جهت کنترل و حفظ موقعیت خود در منطقه می‌باشد. سازمان همکاری شانگهای خط دفاعی در برابر این موضوع می‌باشد. سازمان همکاری شانگهای یک سازمان جدیدالتأسیس در آسیا می‌باشد و توانایی و امکان تبدیل شدن به پر نفوذترین سازمان در منطقه را دارد. ورود به این سازمان یکی از مهمترین راههای مشارکت در امور آسیا می‌باشد. عدم ورود به معنی واگذاری امکانات از طرف روسیه هست.

**قزاقستان:** تأمین منافع امنیتی نیز مهمترین انگیزه قزاقستان برای پیوستن به سازمان همکاری شانگهای می‌باشد، ولی مهمترین مسأله امنیتی مورد توجه این کشور تأمین امنیت مرزها هست. این کشور همسایه چین بوده و دارای ۱۷۰۰ کیلومتر مرز مشترک می‌باشد. قزاقستان کشوری وسیع و دارای جمعیت کم (۱/۵ میلیون نفر) است. از نظر وسعت، سومین قسمت مهم از شوروی سابق بود. GDP آن در سال ۱۹۹۹ حدود ۱۶ میلیارد دلار هست و حدود ۶۰۰۰۰ نیروی نظامی دارد.<sup>(۹)</sup> قزاقستان اهمیت خاصی برای سازمان همکاری شانگهای در حفظ امنیت مرزهای مشترک با چین قائل است. چین نیز معتقد است که سازمان می‌تواند نقش مهمی در حل مسایل مرزی بین دو کشور و تضمین امنیت در مناطق مرزی ایفا نماید. نظر بایف رئیس‌جمهور قزاقستان در سخنان خود که در مراسم افتتاحیه سازمان ایراد نمود بر این نکته تأکید خاص نمود. قزاقستان نسبت به دیگر کشورهای آسیای مرکزی کمتر با مشکل تروریسم، جدایی‌طلبی و افراطی‌گری در منطقه روبرو بوده است. با وجود این خطر سه نیروی مخرب برای کشور به‌طور جدی روبه افزایش است. افزایش حوادث نشان می‌دهد که این کشور نمی‌تواند خودش را از این مسایل و همچنین مسایل امنیتی در کل آسیای مرکزی دور نگاه دارد. قزاقستان امیدوار است که سازمان همکاری شانگهای نقش ویژه‌ای در مقابله با تروریسم، جدایی‌طلبی و

افراط‌گرایی ایفا نماید. قزاقستان یک گول انرژی بوده و دارای منابع غنی نفت و گاز می‌باشد. از نظر موقعیت جغرافیایی نیز این کشور در نیمه بالایی آسیای مرکزی قرار گرفته و خط ارتباطی میانی برای اورآسیا می‌باشد. خطوط ارتباطی زمینی که کشورهای مختلف آسیای مرکزی را به روسیه و اروپا وصل می‌کند فقط از این کشور می‌گذرد. عبور این خط ارتباطی تنها از این کشور منافع بیشماری را دربر داشته است. لذا قزاقستان به همکاری اقتصادی در قالب سازمان همکاری شانگهای امید زیادی دارد.

**قرقیزستان و تاجیکستان:** مشابهت‌های زیادی بین قرقیزستان و تاجیکستان می‌توان یافت. هر دو کشور کوچک با جمعیت حدود ۵ میلیون نفر، اقتصاد عقب‌مانده و مردمی فقیر می‌باشند. در سال ۱۹۹۹، GDP سرانه قرقیزستان ۲۵۰ دلار آمریکا و GDP سرانه تاجیکستان ۱۸۰ دلار بود.<sup>(۱۰)</sup> هر دو کشور از نظر نظامی شرایط بسیار محدودی داشته و تعداد نیروی نظامی هر کدام حدود ده‌هزار نفر می‌باشد.<sup>(۱۱)</sup> لذا قدرت دفاعی آنها نیز بسیار ضعیف است. تاجیکستان دارای هزار کیلومتر مرز مشترک با افغانستان هست این کشور به تنهایی قادر به حفظ امنیت این مرزها نمی‌باشد. لذا نیروی موتوریزه روسیه و لشکر ۲۰۱ موتوریزه آن کشور به خاطر حفظ امنیت در تاجیکستان مستقر هستند<sup>(۱۲)</sup> قرقیزستان و تاجیکستان مستقیماً در معرض تهدید سه عامل مخرب می‌باشند. به علت ضعف توان ملی، تروریسم، جدایی‌طلبی و افراطی‌گری فقط از نظر امنیتی مشکل‌آفرین نبوده بلکه کل کشور و قدرت سیاسی ملی را نیز با خطر مواجه ساخته است. برای هر دو کشور سازمان همکاری شانگهای در درجه اول می‌تواند امنیت ملی آنها را تضمین نماید. این سازمان یک قالب امنیتی برای آنها می‌باشد و در این قالب آنها بخشی از امنیت جمعی سازمان محسوب می‌شوند که بالاچار دیگر کشورها باید به آنها برای حفظ امنیت ملی و مقابله با سه نیروی مخرب کمک نماید. لذا تصادفی نبود که قرقیزستان اولین کشوری بود که ایجاد مرکز مشترک ضد تروریسم را مطرح کرد.<sup>(۱۳)</sup> سازمان همکاری شانگهای

برای دو کشور قرقیزستان و تاجیکستان که کشورهای ضعیف و خواهان نیل به توسعه اقتصادی، حل مشکلات موجود در روابط دوجانبه و دستیابی به موقعیت بین‌المللی هستند، قالب خوبی می‌باشد.

ازبکستان: ازبکستان برخلاف قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان از نظر سیاست خارجی در موقعیت منحصربه‌فردی قرار دارد. این کشور اگرچه تا مدت‌ها بعد از استقلال سیاست متعادلی اتخاذ ننموده بود، اما بیشترین سعی خود را مبذول داشت تا فاصله با روسیه را حفظ کرده و بر روابط نزدیک‌تر با آمریکا تأکید می‌ورزید. ازبکستان مایل به پیوستن به سازمان منطقه‌ای آسیای مرکزی به رهبری روسیه نبود، لذا از پیمان امنیت جمعی CIS نیز بیرون رفت. این کشور به عضویت جامعه اقتصادی اوراسیا نیز در نیامد. ولی فعالانه به «گوام»<sup>۱</sup> که روسیه در آن نفوذ نداشت، پیوست. از سال ۲۰۰۰ ازبکستان سعی کرد سیاست خارجی خود را تعدیل کند، لذا روابط با روسیه را بهبود بخشیده و نسبت به مشارکت فعال در سازمان همکاری شانگهای ابراز تمایل نمود. کریم‌اف رئیس‌جمهور ازبکستان برای اولین بار به‌عنوان ناظر در اجلاس «شانگهای-۵» شرکت کرد.<sup>(۱۴)</sup>

به نظر می‌رسد دو مسأله محرک ازبکستان برای ورود به سازمان همکاری شانگهای بوده است. ابتدا یافتن تضمین امنیتی قابل اعتماد. ازبکستان قبلاً در زمینه امنیتی با آمریکا همکاری داشت اما واقعه سوءقصد به رئیس‌جمهور در فوریه ۱۹۹۹ و تجاوز ناگهانی نیروهای مسلح به مناطق مرزی این کشور در بهار و تابستان سال ۲۰۰۰ شوک جدیدی برای ازبکستان بود. به دنبال این وقایع ازبکستان احساس کرد که به خاطر ضعف قدرت دفاعی در معرض خطر جدی قرار دارد و متوجه شد که در صورت بروز خطر جدی این روش‌ها نمی‌توانند کارآمد باشند.

ازبکستان معتقد است که «جنبش آزادبخش ازبک» (مستقر در خارج) و طالبان

1. Cuuam

بزرگترین خطر امنیتی برای ازبکستان می‌باشد. لذا این کشور به تنهایی نمی‌تواند با آن مقابله کند و نیاز به راه‌های دیگر دارد. آشکار است که سازمان همکاری شانگهای یکی از این راه‌ها می‌باشد.

دوم این که، ازبکستان پرجمعیت‌ترین کشور آسیای مرکزی می‌باشد. جمعیت آن تقریباً برابر مجموع دیگر کشورهای آسیای مرکزی بوده و نسبتاً صنعتی است. این کشور تمایل قوی به کسب موقعیت برتر در منطقه دارد و معتقد است که مسأله امنیتی در منطقه بدون مشارکت ازبکستان واقعاً امکان‌پذیر نمی‌باشد. از طرف دیگر، توسعه «شانگهای پنج» در سالهای اخیر نشان داده است که این سازوکار تأثیر زیاد و روزافزونی در توسعه سیاسی، امنیتی و اقتصادی آسیای مرکزی داشته و احتمالاً مهمترین سازوکار در منطقه خواهد بود.

### موانع توسعه سازمان همکاری شانگهای

سازمان همکاری شانگهای یک سازمان همکاری منطقه‌ای جوان است. وظیفه آن سازمان در درجه اول توسعه و تحکیم خود می‌باشد. در حقیقت بعد از اعلام تأسیس سازمان مسیر آن بسیار قابل چالش است. زیرا با تأسیس سازمان تقاضا نسبت به آن و انتظارات آن نسبت به شانگهای پنج افزایش یافته و حفظ و توسعه یک سازمان منطقه‌ای کار ساده‌ای نمی‌باشد. بدون شک در حالی که یک نیروی محرکه قوی برای توسعه سازمان وجود دارد ولی موانع واقعی و بالقوه‌ای نیز در سر راه آن موجود است که عبارتند از:

**الف) وجود عوامل رقابتی بین چین و روسیه:** روشن است که بین چین و روسیه در منطقه آسیای مرکزی فقط همکاری صورت نمی‌گیرد، بلکه بنابه دلایل سنتی عوامل رقابتی بین دو کشور در زمینه‌های جغرافیای سیاسی و جغرافیای اقتصادی نیز وجود دارد. به دنبال تحکیم موقعیت روسیه نفوذ سنتی این کشور در آسیای مرکزی به‌طور روزافزونی افزایش یافته است و با

توسعه روابط چین با کشورهای آسیای مرکزی نفوذ چین در منطقه نیز بیشتر می‌شود. تحت این شرایط دو امکان برای آینده روابط دو کشور متصور می‌باشد: یا توسعه همکاری و یا رقابت. اگر روسیه و چین در منطقه بیشتر رقیب باشند تا همکار، نقش بی‌نهایت منفی در توسعه سازمان همکاری شانگهای ایفا خواهند کرد. لذا مهمترین موضوع برای کشورهای منطقه ارایه همکاری و کنترل موانع در منطقه می‌باشد.

ب) سیاست‌های خارجی چند جانبه کشورهای آسیای مرکزی: همه کشورهای آسیای مرکزی معتقد به توسعه سازمان بوده و از آن حمایت می‌کنند، در حالی که هر کدام دارای شرایط سیاسی، اقتصادی، امنیتی و جغرافیایی خاصی هستند. به دنبال افزایش نفوذ قدرت‌های بزرگ و گروه‌های بزرگ قوی در منطقه اکثر آنها یک سیاست خارجی متعادل را در توسعه روابطشان با قدرت‌های بزرگ دنبال می‌کنند. برای آنها اتخاذ این سیاست خارجی بهترین راه برای نیل به منافع ملی خود می‌باشد. این مسأله تأثیر بالقوه‌ای در توسعه سازمان همکاری شانگهای دارد. از طرف دیگر کشورهای آسیای مرکزی با آمریکا و ناتو در زمینه امنیتی و سیاسی همکاری دارند. کشورهای ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان و ازبکستان به برنامه «مشارکت برای صلح» ناتو پیوسته‌اند.<sup>(۱۵)</sup> در آوریل ۲۰۰۱ نیز تاجیکستان به آنها پیوست. از سال ۱۹۹۶ کشورهای آسیای مرکزی به انجام آزمایشات نظامی مشترک با آمریکا و ناتو پرداختند. آزمایشات نظامی و همکاری کشورهای آسیای مرکزی با آمریکا و ناتو به منظور حفظ صلح و مقابله با تروریسم بود که تناقضی با همکاری امنیتی در قالب سازمان همکاری شانگهای نداشت. اما حضور نظامی در آسیای مرکزی تحت عنوان همکاری ممکن است مجادله‌انگیز شده و باعث افزایش رقابت بین قدرت‌های بزرگ در منطقه شود. برنامه «همکاری برای صلح» در حقیقت به نوعی توسعه ناتو می‌باشد. بنابراین، همکاری نظامی بین آنها باعث منفعل شدنشان در همکاری امنیتی در قالب سازمان همکاری شانگهای می‌شود.

ج) وجود دولت‌های ناپایدار در کشورهای آسیای مرکزی: همه کشورهای آسیای مرکزی دارای یک سیستم سیاسی متمرکز هستند که قدرت در رئیس جمهور متجلی می‌شود. با وجود این قدرت دولت در کشورهای آسیای مرکزی تا حد زیادی بستگی به قدرت فردی رئیس جمهور دارد. در این کشورها مخالفین سیاسی تحت فشار شدید هستند، ساختار متوازن نیروهای سیاسی هنوز شکل نگرفته و فاقد سیستم سازوکار انتقال قدرت به‌طور دموکراتیک می‌باشند. بنابراین تغییر رؤسای جمهور ممکن است باعث مبارزه بین قدرت‌ها شده و حتی سیاست‌های دولت و وضعیت جامعه را به لرزه درآورد تا آنجا که باعث تغییر در سیاست‌های داخلی و خارجی می‌شود. این مسأله باعث عدم اطمینان بالقوه نسبت به سازمان همکاری شانگهای می‌باشد.

د) تناقضات در روابط موجود بین کشورهای آسیای مرکزی: روابط بین کشورهای آسیای مرکزی خیلی پیچیده است. آنها در یک منطقه واقع شده و دارای نزدیکترین روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، سنتی، مذهبی و ملی می‌باشند. اما درست به همین دلیل تضادهای پیچیده‌ای نیز در زمینه‌های سیاسی، امنیتی، ملی، ارضی، انرژی و منابع آبی بین آنها وجود دارد. آنها اساساً روابط دوستانه‌ای و همکاری بین دولت‌ها را حفظ کرده و حتی کشورهای قزاقستان، ازبکستان و قرقیزستان قرارداد دوستی ابدی را امضا کرده‌اند. اما هنوز مسایل بالقوه‌ای وجود دارد که این تضادها را تشدید می‌کند. اگر تضادهای دوجانبه بین کشورهای آسیای مرکزی زیاد شود می‌تواند نقش منهدم‌کننده‌ای حتی برای سازمان همکاری شانگهای داشته باشد.

ه) مشکلات در هماهنگی بین سازوکارهای مختلف همکاری در آسیای مرکزی: تعداد زیادی برنامه و چارچوب همکاری در منطقه آسیای مرکزی وجود دارد که شامل برنامه «مشارکت برای صلح» ناتو، گوام، جامعه اقتصادی اورآسیا و قرارداد امنیت جمعی کشورهای

مشترک‌المنافع می‌باشد که اگرچه در تضاد و تناقض با سازمان همکاری شانگهای نیست، ولی در بسیاری از موارد با آن تداخل دارد. در ۱۵ مه ۱۹۹۲ روسیه، ازبکستان، ارمنستان، تاجیکستان، قزاقستان و قرقیزستان قرارداد امنیت جمعی کشورهای مشترک‌المنافع را امضا کردند. (۱۶) بعد از مدتی بلاروس، گرجستان و آذربایجان به این قرارداد که از ۲۰ آوریل ۱۹۹۴ برای مدت پنج سال به اجرا درآمد، پیوستند. هنگامی که در ۲۰ آوریل ۱۹۹۹ مدت این قرارداد به سر رسید گرجستان، آذربایجان و ازبکستان یادداشت تداوم قرارداد را امضا نکردند که به معنی خروج از آن بود. لذا، در حال حاضر دارای شش عضو می‌باشد. بالاترین ارگان سیاسی این قرارداد شورای امنیت جمعی متشکل از سران دولت‌ها، وزرای خارجه و وزرای دفاع می‌باشد. ارگان مشورتی آن شورای وزرای خارجه و شورای وزرای دفاع می‌باشد.

بر اساس قرارداد امنیت جمعی، اولین وظیفه عمدتاً تشکیل نیروهای مسلح، تأمین تجهیزات و ایجاد ارتباط می‌باشد. در سال ۱۹۹۵ امضاکنندگان قرارداد یک سیستم دفاع هوایی مشترک ایجاد کردند. در دومین مرحله باید سازوکارهای امنیت منطقه‌ای تشکیل داده می‌شد. در ۲۵ مه ۲۰۰۱ رؤسای دولت‌های عضو قرارداد با یکدیگر ملاقات کرده و تصمیم به ایجاد یک نیروی واکنش سریع گرفتند و تشکیل یک نیروی مسلح مشترک را برنامه‌ریزی کردند. هدف و مرکز توجه اصلی قرارداد، انجام اقدامات ضد تروریستی بود. (۱۷)

این مسأله نشان می‌دهد که قرارداد امنیت جمعی با سازمان همکاری شانگهای مشابهت‌ها و در بعضی موارد تداخل وظایف دارد. اعضای اصلی آن نیز عضو سازمان همکاری شانگهای می‌باشند، اما سطح همکاری امنیتی آنها بالاتر می‌باشد. لذا یکی از مسایل سازمان همکاری شانگهای در همکاری امنیتی این است که چگونه این دو سازوکار هماهنگی نمایند به طوری که مکمل یکدیگر باشند و نه این که در تضاد قرار گیرند.

(و) مسایل و مشکلات موجود در همکاری اقتصادی: بعد از تأسیس سازمان همکاری

شانگهای، تقاضای دیگر کشورها برای همکاری اقتصادی و همچنین انتظارات آنها برای کسب منافع اقتصادی افزایش یافت. اگرچه همکاری اقتصادی در قالب سازمان دورنمای روشنی دارد اما مشکل بتواند در مقیاس وسیع صورت گرفته و نتایج فوری در کوتاه‌مدت داشته باشد. دولت‌های عضو سازمان از نظر اقتصادی ضعیف هستند. انرژی و ارتباطات دو حوزه مهم همکاری اقتصادی سازمان می‌باشد با وجود این میزان سرمایه‌گذاری در پروژه‌های این دو حوزه خیلی زیاد و دوره سرمایه‌گذاری نیز طولانی بوده است. اگرچه چین و روسیه نسبتاً توسعه یافته‌اند اما توانایی سرمایه‌گذاری آنها محدود می‌باشد. سطح همکاری در دیگر زمینه‌ها خیلی خوب نیست و غیرممکن است که بازگشت سرمایه به سرعت صورت پذیرد. بنابراین مشکلات در زمینه همکاری اقتصادی یکی از مهمترین مشکلاتی است که سازمان با آن روبرو می‌باشد.

ز) فشار و مشکلات ناشی از توسعه مداوم: سازمان همکاری شانگهای اعلام کرده است که در آینده نزدیک هیچ‌گونه توسعه مرحله به مرحله‌ای نخواهد داشت. با وجود این، سازمان در درازمدت با فشار روزافزونی از داخل و خارج روبرو خواهد بود. توسعه سازمان ممکن است تأثیر شدیدی بر جغرافیای سیاسی داشته باشد. ممکن است از حوزه فعلی به مناطق پیرامونی شامل مغولستان، ترکمنستان، ایران، افغانستان، آذربایجان، گرجستان، پاکستان و هند توسعه پیدا کند. تمام این کشورها می‌توانند در درازمدت به سازمان بپیوندند. با وجود این، به علت عوامل داخلی و خارجی ورود آنها به سازمان می‌تواند مشکلاتی را ایجاد نماید. به‌طور مثال، ورود مغولستان ممکن است موجب درگیری زیادی در سازمان نشود اما از آنجا که کمتر تحت تأثیر مشکلات ناشی از سه عامل مخرب هست و ورود آن ممکن است نحوه همکاری امنیتی در سازمان را تغییر دهد. شرایط ترکمنستان به کشورهای عضو سازمان نزدیک‌تر است. اما از یک طرف این کشور سیاست بیطرفانه را دنبال می‌کند و از طرف دیگر سیاست صبر و انتظار را نسبت به سازمان در پیش گرفته، لذا هنوز نسبت به پیوستن به آن ابراز تمایل ننموده است. ورود پاکستان

ممکن است باعث تناقضات زیادی در سازمان شود، در صورتی که ورود هند ممکن است شرایط نسبتاً متعادل در جنوب آسیا را از بین ببرد و از طرف دیگر قبل از بهبود اساسی روابط دوجانبه هند و پاکستان ممکن است ورود آنها باعث شود که سازمان قربانی درگیری آنها گردد. ورود ایران نیز ممکن است یک روند نسبتاً مشکلی باشد. ورود آذربایجان، گرجستان و ارمنستان در منطقه قفقاز برای توسعه سازمان خیلی مهم است که نیاز به پیش‌شرط‌هایی دارد. به علاوه، این که آنها باید ابراز تمایل نمایند.

**ح) فشار خارجی:** ظهور سازمان همکاری شانگهای به‌عنوان یک سازمان همکاری منطقه‌ای در آسیای مرکزی توجه بعضی از قدرت‌های بزرگ و سازمان‌ها را به خود جلب کرده است و با توسعه سازمان ممکن است فشار خارجی بر آن زیاد شود که این فشار به‌صورت درخواست همکاری در زمینه‌های امنیتی و سیاسی می‌باشد. به‌طور مثال ممکن است آمریکا و ناتو مسأله همکاری با سازمان را درخواست نمایند، که در آن صورت باعث ایجاد چالش در سازمان خواهد شد. لذا هماهنگی و اتخاذ یک سیاست مشترک از طرف آنها مشکل خواهد بود.

### توسعه سازمان همکاری شانگهای

این که سازمان همکاری شانگهای چه راهی را باید در پیش گیرد و چگونه باید توسعه پیدا کند، موضوع مهم برای سازمان جدیدالتأسیس می‌باشد. به‌طور اساسی توسعه سازمان منوط به خواست تمام اعضا و امکانات آنها می‌باشد، لذا ممکن است از تجربه اتحادیه اروپا، آسه‌آن و دیگر سازمان‌های همکاری منطقه‌ای استفاده نمایند. اما سازمان با توجه به این که در بسیاری موارد از ویژگی‌های خاص خود برخوردار است باید مسیر توسعه خودش را در نظر گیرد. ویژگی‌های این سازمان در بسیاری از موارد با دیگر سازمان‌ها متفاوت است. به‌طور مثال، اعضای آن کاملاً متفاوت هستند. از طرفی، چین کشوری با بیشترین جمعیت، روسیه کشوری با

سرزمینی بسیار وسیع عضو آن هستند و از طرف دیگر کشورهای کوچکی با جمعیت بسیار کم. از نظر فرهنگی و مذهبی نیز با یکدیگر تفاوت کلی دارند. به علاوه از نظر سیستم اجتماعی و سیاسی و سطح توسعه اقتصادی نیز متفاوت می‌باشند.

سازمان همکاری شانگهای ابتدا به خاطر مسایل مرزی ایجاد شد و کم‌کم تبدیل به یک سازمان همکاری سیاسی گردید. سپس همکاری امنیتی را با همکاری اقتصادی درهم آمیخت. سازمان در یک منطقه ویژه شکل گرفته است. بعد از جنگ سرد ایجاد شده و اصول راهنمای آن مخصوص به خود بوده است. روش‌های خاص خود را ایجاد کرده که کاملاً با افکار زمان جنگ سرد متفاوت می‌باشد. تمام این عوامل باعث شده که سازمان با توجه به شرایط خود و روش‌های مخصوص توسعه یابد. سازمان همکاری شانگهای دارای قدرت زیادی نیست، لذا روند توسعه آن گام به گام است. دیگر سازمان‌های همکاری منطقه‌ای در جهان همگی قدمتی به مراتب بیشتر دارند. لذا این سازمان بسیار جوان بوده و در مراحل اولیه می‌باشد، به این لحاظ توسعه آن به آسانی و سرعت صورت نخواهد گرفت و نیاز به کوشش زیادی دارد. اما تعمیق بیشتر همکاری مهمترین راه تقویت سازمان می‌باشد. اگرچه سازمان در بعضی از زمینه‌ها دارای محدودیت‌ها و در بعضی از زمینه‌ها آزادی‌هایی دارد.

مهمترین عملکرد سازمان تأمین امنیت مرزی، امنیت منطقه‌ای و همکاری اقتصادی بوده و در آینده نیز عملکردهای جدیدی برای آن در نظر گرفته شود. اگرچه، عملکردهای بیشتر و حوزه‌های کاری آینده آن به دنبال توسعه سازمان قابل تعیین خواهد بود. مسلماً توسعه سازمان باعث افزایش حوزه عملیاتی آن خواهد شد. اگر درخواست‌ها و اهداف متصور برای سازمان همکاری شانگهای زیاد شود، نه تنها باعث پیشرفت سازمان خواهد شد بلکه برعکس سرعت توسعه آن را کم خواهد کرد. با بررسی عملکرد کشورها و سازمان‌های منطقه‌ای درمی‌یابیم که سازمان‌های همکاری منطقه‌ای و یا بین‌المللی معمولاً دارای دو زمینه عملیاتی اقتصادی و امنیتی نیستند. اگر سازمان توسعه پیدا کند مسلماً این مسأله برجسته‌تر خواهد شد. لذا برای

حل آن سازمان همکاری شانگهای باید حوزه‌های عملیاتی خود برای اعضای جدید را از یکدیگر جدا نماید: یکی حوزه سیاسی و امنیتی و دیگری حوزه اقتصادی. به این ترتیب اعضای جدید براساس شرایط خود می‌توانند در یکی از این حوزه‌ها فعالیت نمایند و سازمان می‌تواند با توجه به استانداردها و نیازهای هریک از حوزه‌ها به عضوگیری بپردازد. در این صورت اعضای جدید خواهان برآورده شدن تمام نیازهای خود نخواهند بود. این مسأله باعث می‌شود که عضوگیری راحت‌تر صورت گرفته و توسعه سازمان نیز با مشکلات کمتری روبرو باشد. لذا ورود اعضای جدید نمی‌تواند تأثیر منفی بر سازمان داشته باشد.

## یادداشت‌ها

1. Xu Tao, "Promoting Shanghani Five Spirit for Regional Cooperation", *Contemporary International Relations*, Vol.11, No.5, China Institute of Contemporary International Relations.
2. Wang Haiyun, "The Security Situation in Central Asia", *International Strategic Studies*, No.1, Jan. 2001, p.46, China Institute for International Strategic Studies.
3. Vladimir - Radyuhin, "India May Join Shanghai Five", [www.india server. Com/the hindu/2000/07/06/stories](http://www.india server. Com/the hindu/2000/07/06/stories), p.1.
4. China, Russia and Central Asia Endorse ABM Treaty", <http://Asia, Dailynews, Yahoo, 6/16/01/p.1>.
5. Shanghai Five Nations sign Joint Statement", <http://english Peopledaily. com.cn/2000/07/06>, p.1.
6. Shanghai Five Vow to Fight Terrorism Jointly", <http://english Peopledaily. com.cn/2000/07/06.p.1>.
7. China, Russia and Central Asia Endorse, ABM Treaty, *Ibid*.
8. Joint Statement by the ministers of Foreign Affairs of the member states of the

- Shanghai Cooperation organization. <http://missions.itu.int/~Kazaks/eng/sco/sco06.htm>
9. The Russia - China Friendship and Cooperation Treaty: A Strategic Shift in Eurasia? <http://www.heritage.org/Library/backgrounder/by1459.htm>.
10. *Ibid.*, p.4.
11. Military Analysis Network, HQ-q/Ft-2000, at <http://www.Fas.org/man/dod.191/sys/missile/row/Sa-17.html>.
12. Shanghai Six: uphold Right Against Terror, at <http://www.hrw.org/press/2002/01/se00/05.html>.
13. New banner of International Cooperation, at <http://www1.Chinadaily.com.cn/news/2001-06-15/14192.html>.
14. Zhao Huasheng; Establishment and Development of Shanghai Cooperation Organization, SIIS Journal, vol.9, No.1, Shanghai Institute for International Studies, p.35.
15. *Ibid.*, p.38.
16. Wang Hai yun, *Ibid.*, p.47.
17. *Ibid.*, p.48.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی